



سیدمهدی طالبی خبرنگار گروه بین‌الملل

«هیثم‌بن طارق آل سعید» سلطان عمان عصر روز گذشته وارد تهران شد. پیگیری «مناسبات دو جانبه میان ایران و عمان» در حوزه‌های تجارت، حمل و نقل، انرژی، گردشگری، میانجیگری برای «از سرگیری روابط بین تهران و قاهره» و «فعال سازی مجدد مذاکرات میان ایران و آمریکا» که از تابستان سال گذشته مسدود شده بود، از جمله اهداف این سفر شمرده شده است.

بسا وجود اهمیت روابط ایران و عمان و همچنین روابط با مصر، اما از نظر کلان، هدف سوم سفر سلطان عمان به تهران در خصوص مذاکرات میان ایران و آمریکا که در قالب گفت‌وگوهای هسته‌ای پیگیری می‌گردد، از اهمیت بالاتری برخوردار است.

وضعیت کنونی روابط میان ایران و آمریکا نشان می‌دهد تهران تحریم‌ها را خطری موجدیتی برای خود تلقی کرده‌به دلیل ناکامی قطعی مسیر مذاکره‌برای برطرف ساختن آن به‌سمت‌اجرای سیاست «اخراج آمریکا از منطقه» گام برداشته و آن را راهبرد خود ساخته است. درمقابل آمریکا تلاش دارد با به کارگیری روش‌های ترکیبی این سیاست ایران را به سطح تاکتیکی تنزل دهد.

آنچه از تحلیل‌ها نسبت به آرایش آمریکا در برهه کنونی بدست می‌آید، نشان می‌دهد واشنگتن قصد دارد در مقابل اخذ امتیازی راهبردی از ایران در خصوص منطقه یعنی عبور از اخراج این کشور از منطقه، تنها امتیازی تاکتیکی در حوزه کاستن از تحریم‌ها و آزادسازی منابع مالی ارائه کند.

تهران برای این معامله آمادگی دارد اما در ازای دریافت این امتیاز تاکتیکی، امتیازی تاکتیکی برای آمریکا آماده کرده که بر اساس آن واشنگتن به جای اخراجی غیرقابل تحمل، اخراجی آرام‌تر را تجربه می‌کند.

لزوم گسستن زنجیره تحریم عامل راهبردی ساز سیاست «اخراج آمریکا از منطقه»

از زمان آغاز تحریم‌های سنگین علیه ایران، تولید ناخالص داخلی کشور از ۶۲۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ طی یک‌دهه به ۳۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسید، کاهش ۵۷ درصدی در ۱۰ سال. این کاهش درحالی‌رقم خود که جمعیت ایران از ۷۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱، با افزایشی ۹ میلیون نفری در سال ۲۰۲۱ به ۸۵ میلیون نفر رسید. رشد جمعیتی ۱۲ درصدی در یک‌دهه و در مقابل کاهش ۵۷ درصدی تولید ناخالص داخلی عملا به از دست رفتن دو سوم توانایی‌های اقتصادی ایران انجامیده است.

به‌زعم کارشناسان عنصر اصلی تحریم‌ها که آن را اثرگذار می‌سازد، تحریم‌ها نه ناگهانی بلکه به‌مرور یک کشور را مستهلک می‌سازند.

بروز مشکلات معیشتی در ایران به‌موجب تحریم‌ها تا کنون سه دوره اغتشاشات را به مدت کوتاهی آفریده است. در اوایل دهه ۱۳۹۰ شمسی که تحریم‌های کمرشکن علیه ایران به اجرا درآمدند با وجود تأثیرات قابل توجه در کاستن از ارزش پول ملی هنوز فرصت نیافته بودند تا تأثیر عمیق‌تری بی‌افزینند و از سوی دیگر با انتخابات ۱۳۹۶ و انعقاد توافق برجام در سال ۱۳۹۴ امید به برداشتن تحریم‌ها منجر به تعویق بروز خشم شد. با این حال آشکار شدن ناکارآمدی ایده‌های دولت و برجام، اولین دوره از اغتشاشات با زمینه‌معیشتی در دی‌ماه ۱۳۹۶ رخ دادند. این اغتشاشات در آبان ۱۳۹۸ و پاییز ۱۴۰۱ تداوم یافتند.

مشکلات معیشتی به اضطراب عمومی و مهاجرت ناشی از آن انجامیده، میلیون‌ها نفر را به زیر خطر فقر برده و به ناامنی شغلی دامن زده است. هم‌زمان این مشکلات به پیشران درگرفتن بسیاری از مباحث ضدملی مبدل شده است، به‌گونه‌ای که حتی شاهد حمایت‌از تخریطلبی‌های حاشیه‌در مناطق داخلی کشور هستیم.

ناکامی‌های اقتصادی همچنین منجر به کاهش میزان مشارکت در انتخابات شد. میزان مشارکت معمول در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری ایران طی دو دهه اخیر به غیر از انتخابات خاص و به‌شدت قطبی شده‌سال ۱۳۸۸ بین ۶۰ تا ۷۰ درصد بوده است. بر اساس آمارها میزان مشارکت در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۰، ۶۷ درصد، در سال ۱۳۸۴، ۶۲ درصد؛ در سال ۱۳۸۸، ۸۵ درصد؛ در سال ۱۳۹۲، ۷۲ درصد و در سال ۱۳۹۶، ۷۳ درصد بوده است. این مساله نشان می‌دهد حتی در انتخابات پردرگیری سال ۱۳۸۸، ۱۵ درصد واجدین شرایط رأی نداده و این درصد در انتخابات‌های دیگر بین ۳۰ تا ۴۰ درصد واجدین شرایط بوده است. اگر این درصد که بنابه دلایل غیرمناقشه‌ای انگیزه کمی برای مشارکت در انتخابات‌ها دارند را بر بررسی‌ها کنار گذاشته و مشارکت ۶۰ تا ۷۰ درصدی را مینا و سقف قرار دهیم، در انتخابات سال ۱۴۰۰ که با مشارکت ۴۸ درصدی همراه بود، ۱۲ تا ۲۲ درصد از مشارکت‌کنندگان از رأی دادن خودداری کردند.

خبر

مجمع جهانی بیداری اسلامی به مناسبت سالگرد آزادسازی جنوب لبنان بیانییه‌ای صادر کرد. در این بیانییه به آمده است: بدین‌وسیله فرارسیدن بیست‌وسومین سالگرد آزادسازی جنوب لبنان را به روزندگان بزرگرمز و شجاع مقاومت اسلامی، همچنین ملت و دولت بزرگ لبنان تبریک و تهنیت عرض می‌نماییم. ۲۵ ماه می سال ۲۰۰۰ میلادی روزی بود که رژیم تبهکار صهیونیستی برای نخستین‌بار نه در مقابل یک دولت و کشور بلکه دربرابر یک گروه مقاومت که فاقد مولفه‌های قدرت سخت رژیم‌صهیونیستی بود، شکست خورد. آزادسازی جنوب لبنان، سنگ بنای آغاز فتوحات بزرگ جبهه مقاومت اسلامی درمقابل جنایات و اشغالگری این رژیم نرفتها در لبنان و فلسطین که در سرتاسر منطقه است.

این پیروزی راهبردی، پایان اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم تروریستی صهیونیستی

جهان‌شهر

رود سلطان عمان به تهران سفری فراتر از حضور یک واسطه سیاسی است؛ هم تحکیم رابطه تجاری با یک همسایه است هم به معنای ناامیدی غرب از اپوزیسیون ایرانی

شورای همبستگی



تربین بهره‌برده است. آمریکا برای اعلام نظام تک‌قطبی خود جنگ نخست خلیج فارس را راه انداخت بدون آنکه علیه شوروی در اروپا یا خاور دور اقدامی کند. در سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ نیز از حمله علیه عراق برای ترساندن و تاکید بر قدرت متعارف بالای خود برای عقب نشاندن چین بهره گرفت. اهمیت غرب آسیا همچنین برای کنترل جریان انرژی و مسیرهای تجاری حائز اهمیت است وبدون آن آمریکا نمی‌تواند خود را برای رهبری جهان نوظهورها یا چندقطبی تطبیق دهد. واشنگتن امیدوار است با وجود ظهور قدرت‌های برجسته در جهان، از طریق مزیت فناوری، قدرت علمی، ساختارها و نهاد‌های قدرتمند، تاریخی و کارآمد خود و مزیت الگودهدنگی خود در کنار تداوم کنترل بر مسیرهای مالاتی، برتری خود را حفظ کند. بدون غرب آسیا، آمریکا موقعیت مرکزی خود در کنترل قدرت‌های شرقی را نیز از دست می‌دهد. هرچند قدرت الگودهدنگی نظام سیاسی غرب و همچنین مزیت فناوری آنان مهم به شمار می‌روند، اما قدرت کنترل بر منابع انرژی و مسیرهای تجاری در غرب آسیا می‌تواند ظرفیت‌های آمریکا را در رقابت‌ها به‌سطح قاطعی برساند. واشنگتن با وجود برتری فناوری و قدرت اقتصادی، بدون حضور در غرب آسیا، قدرت برتر نخواهد ماند و از این رو قدرت حفظ سلطه منطقه‌ای آمریکا تأثیری قاطع در حفظ جایگاه جهانی این کشور حتی نسبت به برتری اقتصادی آن دارد.

اگر غرب آسیا نقطه‌ای اثرگذار در حفظ برتری آمریکا در جهان باشد، حفظ تسلط بر این منطقه نیز متکی به مجموعه‌ای از پایگاه‌های نظامی این کشور در غرب آسیاست. ایران به همین دلیل مهار این پایگاه‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. ارزش پایگاه‌های نظامی آمریکا به دلیل ایجاد محدودیت عملیاتی کاهش یافته و نگهداری از آنها کم‌صرف‌شده است. در جای‌جای منطقه‌شبه‌ک‌های از گروه‌های مقاومتی و ضد آمریکایی حضور دارند که ضمن بهره‌گیری از قاعده جمعیتی برای تأمین نیرو و حمایت فاقد نیازمندی به سطح رهبری بالا بوده و هم‌زمان از تسلیحات لازم مانند راکت و پهپاد، انتحاری و همچنین نفوذ اطلاعاتی برای آسیب به آمریکا برخوردارند. ایران خود نیز مسلح به موشک‌های بالستیک تاکتیکی و پهپاد‌های انتحاری است. از این رو پایگاه‌های آمریکا قادر به اثرگذاری بر ایران و عملیات علیه متحدانش نیستند. شاهد این مدعا تعدد عملیات‌ها علیه مواضع آمریکا در سوریه است که به گفته مقامات آمریکایی به ۸۷ مورد در دوره ریاست‌جمهوری بایدن رسیده درحالی‌که پاسخ‌های واشنگتن به آنها از انگشتان دست کمتر بوده است. آمریکا با پایگاه‌های نظامی اش، در گذشته نیز علیه ایران دست به حمله نمی‌زد اما دست کم به دلیل آمادگی و امکان عملیاتی آنها، تهران احتیاط بیشتری به خرج می‌داد و از سوی دیگر متحدان منطقه‌ای اش این گونه در آرامش نبودند. با این‌حال امروز به دلیل آمادگی نظامی ایران نتنها فشار نظامی علیه تهران کارایی ندارد بلکه قدرت متعارف ایران به چتری برای متحدانش تبدیل شده است؛ هرچند خود این متحدان به دلیل تسلیحات ویژه خود قادر به آسیب‌رسانی موثر به نیروهای آمریکایی هستند. اگر ارزش آمریکا در افغانستان شکست خورده و در عراق طومارش در مناطق جنوبی و مرکزی پیچیده شده و در عین‌الاسد، الحرییر و شرق سوریه شاهد حملات مداوم راکتی و پهپادی بوده است، این سوال مطرح می‌گردد که «این حجم عظیم از تسلیحات، نیروها و منابع مالی به چه درد آمریکا می‌خورد؟»

به‌عبارتی دیگر به دلیل برتری یافتن عملیاتی محور مقاومت، اخراج آمریکا از منطقه‌درحالی‌که محدودیتی برای ورود دیگران وجود ندارد، یک‌مساله دوسرطاب‌برای آمریکاست. اگر هژمونی آمریکا را غیر از اتکا به عناصر مادی دارای دنباله‌هایی در برداشت‌های ذهنی نینبدانیم،وقتی مقامات سیاسی کشورهای جهان نفوذچین،روسبه یاهندار در غرب آسیامی‌بینند بدون آنکه آمریکا حضوری قدرتمندانه و متمایز داشته باشد، تصویر از هژمونی آمریکا فرو می‌ریزد. آمریکا هرچند مدت‌هاست در اروپا و شرق آسیا حضور دارد، اما برای اعلام هژمونی‌اش بر جهان دست کم از غرب آسیا به‌عنوان یک نمایشگاه یا

اقتصادی داخلی به آن دست یافت. اصلاحات در اقتصاد داخلی می‌تواند اندکی از شدت تحریم‌ها بکاهد، اما همچنان عنصر زمان‌برندگی تحریم را حفظ خواهد کرد. از این‌رو اصلاحات اقتصادی داخلی به مکملی در خارج نیاز دارد که بتواند با کوتاه کردن دست آمریکا از منطقه، در ارتباط با محیط‌های پیرامونی، تحریم‌های ایران را کم‌اثر سازد. تهران طی دهه اخیر از طریق ارتباط با محیط‌های پیرامونی مانند ترکیه، عراق و امارات موفق شد در برابر تحریم‌ها مقاومت کند. بهره‌گیری سطح بالاتر از محیط‌های پیرامونی عاری از آمریکا، تأثیرات قاطع‌تری نسبت به آنچه تا کنون بوده بر تحریم‌ها خواهد داشت. بر همین اساس سیاست اخراج آمریکا از منطقه به یک ضرورت برای ایران تبدیل شده است. تهران هرچند برای کسب موقعیت برتر در منطقه وورود به معادلات بین‌المللی نیازمند دستیابی به جایگاه‌هایی خاص در غرب آسیاست، اما شکستن زنجیره تحریم‌های اقتصادی که متکی به باراندازهای اقتصادی

تحت تأثیر آمریکاست، اخراج این کشور از منطقه را برای تهران به موضعی موجودیتی تبدیل کرده است. با توجه به نگاه ایران برای کسب جایگاه برتر در منطقه از یک سو و گسستن زنجیره تحریم‌های اقتصادی که متکی به باراندازهای اقتصادی در چین نقطه‌ای اصطکاک میان ایران و آمریکا به اوج رسیده و سرنوشته‌ساز می‌شود. از یک سو آمریکا برای اعمال قدرت جهانی خود و کنترلش بر دیگر کشورها به غرب آسیا احتیاج دارد و از سویی دیگر تهران حتی اگر از نگاه‌های توسعه‌ای خود بیگذرد برای گسستن زنجیره تحریم‌راهی جز اخراج واشنگتن از منطقه ندارد. راهی که آمریکایی‌ها برای کاستن از سرعت اجرای سیاست اخراج خود از منطقه توسط ایران یافته‌اند، گام برداشتن مجدد در مسیر رفع تحریم‌هاست. مسیری که خود آنها از تابستان سال ۱۴۰۱، به دلیل انتظار کشیدن جهت اغتشاشات برنامه‌ریزی شده پاییز، آنها را مسدود ساخته بودند.

واشنگتن با نا کام ماندن حربه اغتشاش و مخاطره آمیز بودن وضعیت فعلی تداوم تحریم‌های حداکثری، ببار دیگر به کانال مذاکرات بازگشته است. آمریکا امید دارد کثودن روزه‌های جدید مانند شل ساختن اندکی از تحریم‌ها باعث شود سیاست اخراج این کشور از منطقه یا به سطح تاکتیکی تنزل یابد یا دست کم تهران در صورت راهبرد دانستن آن، از سرعت اجرایش بکاهد. بازگشت آمریکا به کانال مذاکرات به دلیل هراس نسبت به اخراجش از منطقه نشان می‌دهد هرچند این سیاست برای ایران راهبردی است، اما میزان کارایی آن دستاوردهای تاکتیکی قابل توجهی نیز می‌تواند داشته باشد. با این‌حال باید وضعیت اجرای سیاست اخراج آمریکا از منطقه را مورد بررسی قرار داد.

نتایج اقدامات ایران در راستای «اخراج آمریکا از منطقه»

اخراج آمریکا از منطقه درحالی‌که محدودیتی برای ورود دیگران وجود ندارد، یک‌مساله دوسرطاب‌برای آمریکاست. اگر هژمونی آمریکا را غیر از اتکا به عناصر مادی دارای دنباله‌هایی در برداشت‌های ذهنی نینبدانیم،وقتی مقامات سیاسی کشورهای جهان نفوذچین،روسبه یاهندار در غرب آسیامی‌بینند بدون آنکه آمریکا حضوری قدرتمندانه و متمایز داشته باشد، تصویر از هژمونی آمریکا فرو می‌ریزد. آمریکا هرچند مدت‌هاست در اروپا و شرق آسیا حضور دارد، اما برای اعلام هژمونی‌اش بر جهان دست کم از غرب آسیا به‌عنوان یک نمایشگاه یا

این کاهش مشارکت به‌میزان یک‌پنجم شرکت‌کنندگان دو دهه اخیر، زاییده تحریم‌های اقتصادی و فعال شدن جنگ شناختی از طریق تبلیغات رسانه‌ای در زمینه مشکلات معیشتی بود. این مساله نشان می‌دهد ریشه بحران‌ها، معضل تحریم است. در معنایی دقیق‌تر تحریم‌ها به بزرگ‌تر شدن بیش از اندازه هر مشکلی منجر شده و به‌عنوان یک سکوی پرش برای آنها عمل می‌کند.

با تداوم مشکلات معیشتی که از سال ۱۴۰۰ تا کنون بی‌وقفه ادامه داشته و تشدید شده است احتمال دارد از میزان مشارکت در انتخابات‌های بعدی از جمله مجلس در سال جاری و انتخابات آتی ریاست‌جمهوری به‌شدت کاسته شود. اگر خودداری ۱۲ تا ۲۰ درصدی رأی دهندگان معمول انتخابات‌ها، در رقابت‌های سیاسی آتی دو برابر شده و به اعداد ۲۴ (یک‌چهارم رأی دهندگان) و ۴۰ درصد (نیمی از رأی دهندگان) برسد، ماهیت مردم سالارانه نظام دچار خدشه خواهد شد. از اساس یکی از دلایل اصرار رهبری نظام بر مشارکت بالای مردم در عین مخالفت چهره‌هایی مانند هاشمی‌رفسنجانی به اصرار بر این مساله، نگاه به ماهیت مردم سالارانه کشور است.

تحریم‌ها در سال ۱۳۹۲ در روی کار آوردن روحانی، اثرگذاری خود بر جریانات سطحی سیاسی و در سال ۱۴۰۰ بر میزان مشارکت را نشان داده و در صورت تداوم وضعیت فعلی، اثرگذاری خود را به ماهیت مردم‌سالارانه خواهد رساند؛ روندی که به‌خوبی استفاده تحریم از عنصر زمان برای برنده شدن و نفوذ به عمق استخوان را نشان می‌دهد. در سطح جامعه نیز تشدید تنش‌های اجتماعی بروز کرده در دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و پاییز ۱۴۰۱ پیش‌رو است. هرچند اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ بر اساس برنامه‌ریزی و با دلایلی غیراقتصادی آغاز شدند، اما زمینه مساعد برای شکل‌گیری وعدم امکان برخورد با آنان، ریشه در مشکلات معیشتی داشت. وضعیت پیش‌روی ایران با تداوم تحریم‌ها، بدتر از آن چیزی است که در دهه ۱۳۹۰ روی داده و در سال ۱۴۰۱ رویه ارتقا یافته خود را به‌نمایش گذاشت. با تداوم تحریم‌ها و وضعیت معیشتی دشوارتر شده، درگیری‌های اجتماعی میان طبقات، نسل‌ها، اقوام و مذاهب درگرفته، توانایی دولت برای اثرگذاری بر روند‌ها و فوریت‌ها کاهش می‌یابد و در سرریز این مشکلات به حوزه سیاسی، ماهیت ساختار سیاسی ایران دچار دگرگونی می‌شود. ایران امروز بخشی از این تحول را طی کرده است.

تهران برای مقابله با تحریم‌ها دو مسیر پیش‌روی خود دارد. «توافق با آمریکا» و یا «بی‌اثر سازی تحریم‌ها». مسیر نخست یک بار در جریان برجام بسال ۲۰۱۵ امتحان شده است. با برجام، ایران دستاوردی در دولت دموکرات اواما کسب نکرد. در سال ۲۰۱۸ دولت جمهوری خواه ترامپ از آن خارج شد و از سال ۲۰۲۱ تا کنون دولت دموکرات بایدن از احیای آن خودداری کرده است. به‌عبارتی دیگر تحریم‌ها امروز کارآمدترین سلاح آمریکا در مقابله با ایران است که ضرباتی عمقی و چندجانبه به ایران وارد می‌سازد بدون آنکه هزینه و تبعات خاصی برای واشنگتن داشته باشد. با مزه کردن تحریم‌ها در دهان آمریکا و تا هنگامی که ایران برای امور روزمره و تأمین غذای خود وابسته به اجازه این کشور باشد، واشنگتن نسبت به بهره‌گیری از این ابزار کوتاهی نمی‌کند. برای ایران و حتی ملت ایران آشکار است که مذاکرات راهگشای معضل تحریم نیست.

مسیر دوم امای اثرسازي تحریم‌هاست که از مسیرهایی چندگانه‌باید به ثمر برسد و نمی‌توان تنها با اتکا به تک ابعاد آن مانند اصلاحات

پایگاه‌های آمریکایی به ضد هدف تبدیل شده و با عمل کردن به‌عنوان گروگانی در دستان محور مقاومت، عاملی زبان‌بار برای واشنگتن هستند.

کاهش تعداد نیروها، بازآرایی ششان در سطح منطقه، تلاش برای واگذاری امور امنیتی به متحدان و روی آوردن به تجهیزات جدید برای کاستن از سطح پرسنل مانند شهپادها(قایق‌های بدون سرنشین)، از جمله اقدامات واشنگتن در این حوزه هستند.

بررسی موردی سیاست اخراج

آمریکا در ۲۴ مرداد با سقوط کابل ۱۴۰۰ از افغانستان اخراج شد، در ۱۸ آذر همان سال با کاهش نیروهایش در عراق در قالب اقدام ادعایی تبدیل نیروهای رزمی به آموزشی عقب‌نشینی بزرگی انجام داد و در همان دوره شاهد تشدید فعالیت‌ها برای اخراج خود از سوریه بود. در شهریور ۱۴۰۰ و مرداد ۱۴۰۱ اخباری درباره حمله راکتی و پهپادی به پایگاه آمریکا در کویت توسط گروه‌های مقاومت عراقی منتشر شده و در آبان ۱۴۰۱ نیز پایگاه الظفره محل استقرار نظامیان آمریکایی در امارات شاهد حملات پهپادی یمن بود.

بی‌عملی آمریکا نسبت به حمله علیه تأسیسات شرکت سعودی آرامکو در خاک عربستان در سال ۱۳۹۸ و همچنین عدم واکنشش در حمله پهپادی سال ۱۴۰۱ به محل استقرار نظامیانش در امارات، باعث شد اعراب بداند واشنگتن قدرت عملیاتی چندانی در منطقه ندارد و باید مسییر دیگری در پیش بگیرند. در بهمن ۱۴۰۱ سفر تاریخی شی جن پینگ رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی و جلسات مشترکش با کشورهای عضو اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس در ریاض که در سطحی بالاتر از سفر بایدن به عربستان انجام شده، توافق عادی سازی روابط ایران و عربستان در چین در کنار آن همکاری‌های نفتی، تجاری و سیاسی اعراب با روسیه، همه‌و همه شواهدی انکارناپذیر از نا کارآمدی دستگاه نظامی آمریکا در منطقه و فرسایش تصویر از قدرت جهانی این کشور است.

امید چماق و هوپجی

محور مقاومت با رشد توانایی‌های خود پایگاه‌های آمریکایی را ابتدا کم‌اثر و سپس بی‌صرف ساخته است اما واشنگتن بنابه دلایلی مانند امید به تغییر شرایط و تلاش برای ایجاد اہام در شکست خود، نسبت به تخلیه آنها خودداری می‌کند. مقاومت در تلاش است با انجام اقداماتی علیه امنیت و جان نظامیان مستقر در این پایگاه‌ها و تشدید تنش‌ها در سطح زد و خورهای مداوم، فشار نهایی برای تخلیه آنها را ایجاد کند.

در چنین شرایطی واشنگتن می‌داند با توجه به سرعت رقابت‌های بین‌المللی باید به‌فوریت نسبت به کاستن از سرعت اجرای سیاست اخراج خود از منطقه توسط ایران رسیدگی کند. حل این مشکل نیز دو مسیر دارد. نخست اقدامات نظامی علیه ایران یا متحدان منطقه‌ای آن و دوم اقدامی در راستای سازش.

بر همین اساس آمریکا سیاست چماق و هوپجی خود را در دیگر به کار گرفته است. از یک سو اخبار حکایت از طرح بایدن برای همکاری مشترک با رژیم صهیونیستی برای مقابله با ایران دارد که برداشت‌ها از احتمال حملات علیه متحدان منطقه‌ای ایران حکایت می‌کند. از سویی دیگر نیز واشنگتن با دیگر به کانال عمان بازگشته تا به سمت مذاکراتی برای تسهیل تحریم‌ها حرکت کند زیرا این مساله به زعم آمریکا می‌تواند منجر به تعویق در اخراج این کشور شود. چماق آمریکا طرح این کشور در همراهی با رژیم صهیونیستی برای تهاجمات احتمالی علیه مواضع منطقه‌ای ایران و هوپجش احیای کانال مذاکراتی عمان است.

اگر ایران همانند گذشته نسبت به مذاکرات هسته‌ای روی خوش نشان داده ولی سیاست راهبردی و اصولی خود را در اخراج آمریکا از منطقه پیگیری کند، همانند مذاکرات پیشین، آمریکا با وجود پیشرفت در مذاکرات ناگهان به پنهان‌های آن راناکام خواهد گذاشت. با این وجود یک راه امیدبخش وجود دارد. ایران در هر صورت در اخراج از منطقه عقب‌نشینی را روا نمی‌دارد اما اگر آمریکا با این وجود در چهارچوب مذاکرات بماند، علی‌رغم تحمل یک شکست سخت‌راهبردی یک دستاورد تاکتیکی کسب خواهد کرد. انتخابات آمریکا در این خصوص برگزیدن یکی از دو گزینه «اخراج سخت» و «اخراج سخت‌تر» است.

اگر یکی از اهداف آمریکا در توافق تغییر رزمی خود در عراق به آموزشی، نرم‌تر کردن روند اخراج خود از عراق بود تا در صورت رخ دادن به آن استناد کرده و بگوید از اساس حضوری نظامی در این کشور نداشته است، اقداماتی می‌توانند از عراق و سوریه، افغانستانی دیگر برای بایدن یا جانشینان دموکرات یا جمهوری خواهش بیافرینند. تحریم‌ها راهبرد آمریکا در مقابله با ایران است و تسهیل تحریم‌ها امتیازی تاکتیکی از سمت واشنگتن برای تهران به حساب می‌آیند. درمقابل اخراج آمریکا از منطقه نیز راهبرد ایران است و اخراجی کم‌درتر می‌تواند امتیاز تاکتیکی از تهران به واشنگتن باشد. اخراج حتمی است.

مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی قرار دارند.

بی‌شک حزب الله، امروز در اوج اقتدار و بازآزندگی قرار دارد و دشمنان به‌ویژه رژیم صهیونیستی در سطوح نظامی، امنیتی و سیاسی توان مقابله با آن را ندارند و بی‌تردید این مهم دستاورد مهمی است که ریشه در پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی و تبعیت از رهبری و باور قلبی به نصرت‌الهی دارد که یا اِنْهٖا الَّذِینَ اٰمَنُوْا اِن تَنْصُرُوْا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ اَقْدَامَكُمْ.

مجمع جهانی بیداری اسلامی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا و ایثارگران حماسه بزرگ آزادسازی جنوب لبنان، برای ملت دوست و برادر لبنان از خداوند متعال سسرافرازی و سربلندی آرزو نموده و حمایت قاطع جمهوری اسلامی ایران را اعلام و برای همه سرافرازان جبهه مقاومت، پیروزی، عزت و سربلندی مسألت می‌نماید.